

## بررسی و گمانه‌زنی باستان‌شناختی در استحکامات دفاعی مزدوران و کلات نادری

میثم لباف خانیکی<sup>۱</sup>، ابرهارد سوئر<sup>۲</sup>، کریستن هاپر<sup>۳</sup>

دره‌های شمالی رشته کوه هزارمسجد-کپه داغ به مثابه دروازه شمال شرق فلات ایران طی قرن‌ها و هزاره‌ها شاهد وقوع منازعاتی بوده که بین صحرانوردان بخش‌های مرکزی آسیا و یکجانشینان ساکن در فلات ایران جریان داشته است. ارتفاعات هزارمسجد-کپه داغ که همانند دیواره‌ای مرتفع بر بخش شمالی خراسان قد افراشته، ساکنان خراسان را تا حدودی از گزند هجوم‌های اقوام شمالی مصون می‌داشت. با وجود این، معابر کوهستانی راه نفوذ به این سرزمین را هموار می‌ساخت و بدین ترتیب کوهپایه‌ها و دشت‌های حاصلخیز خراسان در معرض غارت آن اقوام قرار می‌گرفت. در محل این معابر بود که اهالی خراسان دست به کار شده و به تأسیس استحکامات دفاعی اقدام می‌کردند. کلات و مزدوران دو نقطه از مناطق کوهستانی خراسان به شمار می‌رفتند که حفاظت و حراست از آنها به معنای حفظ کیان خراسان و فلات ایران بود. طی بررسی میدانی که در پاییز سال ۱۳۹۵ با همکاری باستان‌شناسان ایرانی و بریتانیایی صورت گرفت بخش عمده‌ای از تأسیسات مذکور، بررسی مطالعه و مستند نگاری شد. مطالعه متون تاریخی و تاریخگذاری مطلق داده‌های حاصله از گمانه‌زنی باستان‌شناختی نشان داد که احداث سازه‌های دفاعی در این ناحیه، به دلیل تداوم جریان‌های تاریخی تا قرون اخیر ادامه داشته است. گرچه روایات مسطور در متون پهلوی و آثار مشهود در عکس‌های قاجاری، مستندات و شواهدی از پیشینه قبل از اسلامی آثار کلات ارائه می‌دهند، ولی شیوه معماری و نتایج تاریخ‌نگاری مطلق بیانگر قدمتی معادل دوره افشار برای آثار مشهود کلات می‌باشند. همچنین شیوه مشابه معماری استحکامات مزدوران تاریخی همزمان با سازه‌های کلات نشان می‌دهد در واقع، این سازه‌ها جزئی از یک سیستم دفاعی را تشکیل می‌دادند که به همت ساکنان کوهپایه‌های هزارمسجد-کپه داغ طی قرون متمادی احداث و به دفعات بازسازی شده‌اند.

**کلیدواژگان:** خراسان، کلات، مزدوران، منظر دفاعی، استحکامات دفاعی.

### Archaeological Survey and Test Excavations in Defensive Fortifications of Mozdoorān and Kalāt-e Nāderi

Meysam Labbaf Khaniki, Eberhard Sauer, Christian Hopper

The valley to the north of Hezar Masjed-Kopet Dag mountains serve as the northern barriers of the Iranian Plateau, witnessing over the millennia many conflicts between the nomadic people of Central Asia and the settled people of the Iranian Plateau. The Hezar Masjed-Kopet Dag heights is tantamount to a wall to the north of Khorasan, protecting the people of Khorasan from invading northern hords. However, mountain passes provided a passage that allowed the steppe-dwelling nomads penetrate and plunder the fertile, irrigated farms in the southern foothills of mountain range. It was along these passes that the people of Khorasan built defensive fortifications. Kalat-e Naderi and Mozdooran are two highland forts that guarded these passages.

In Autumn 2016, a joint Iranian-British team surveyed and recorded a major section of these fortifications. Combining the information from historical sources with archaeological finds, as well as dating of the remains indicate that building defensive structures has been going on in this region for a long time. While we can extract some information from Pahlavi sources and the 19th century photographs point to pre-Islamic constructions, the results of archaeological work point to post-Afsharid period.

**Keywords:** Khorasan, Kalat, Mozdooran, Defensive landscape, fortifications.

۱. گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران  
(labbaf@ut.ac.ir)  
۲. دانشکده تاریخ کلاسیک و باستان‌شناسی، دانشگاه ادینبورگ  
(eberhard.sauer@ed.ac.uk)  
۳. گروه باستان‌شناسی، دانشگاه دورام  
(k.a.hopper@durham.ac.uk)

## مقدمه

رویدادهای تاریخی ناحیه شمال شرق ایران و اتفاقاتی که در مقاطع گوناگون زمانی شمال شرق فلات ایران را دستخوش ناآرامی ساخته، از اهمیت ژئواستراتژیک این منطقه در طول تاریخ حکایت می‌کند. منطقه‌ای از استان خراسان رضوی امروزی که بخش شرقی چین خوردگی‌های هزار مسجد-کپه داغ را پوشش می‌دهد، معابر و گردنه‌هایی را در خود جای داده که ارتباط دهنده بخش‌های مرکزی فلات ایران و استپ‌های خشک قره قوم، قزل قوم، ماورالنهر و ترکستان بوده‌اند. از مسیر همین معابر بوده که محصولات و تولیدات، سفرا و سیاحان، جنگاوران و رزمندگان و عقاید و اندیشه‌ها میان شرق و غرب دنیای باستان مبادله می‌شد. مهمترین معبر در این میان، راهی بود که از غرب به سواحل مدیترانه و از شرق به ایالات غربی چین می‌رسید. بخشی از این راه که از شمال شرق فلات ایران می‌گذشت، پس از طی ارتفاعات شمالی خراسان در محل گردنه مزدوران به سوی سرخس و مرو امتداد می‌یافت. گذشته از این معبر اصلی و مهم، گردنه‌های کوهستانی متعددی که بر برش‌های هزار مسجد-کپه داغ منطبقند، راه‌های نفوذ به مناطق شرقی فلات ایران را فراهم می‌کردند. راه‌های مذکور یکی از مهمترین عوامل هویت بخش منظر فرهنگی بخش شمالی خراسان بزرگ بوده و علاوه بر تسهیلاتی که برای مرادۀ فلات ایران با سرزمین‌های دیگر فراهم می‌آوردند، مسیر ورود غارتگران و مهاجمان را نیز به این خطه هموار می‌ساختند. لذا لزوم حفاظت از این معابر و دغدغه نظارت بر آنها به احداث تأسیسات دفاعی و نظامی در مسیر راهها منجر می‌شده است.

مهمترین پاسدار مرزها و معابر شمال شرق ایران، ارتفاعات هزار مسجد-کپه داغ بود که در طول تاریخ به مثابه حصار طبیعی، بخش‌های مرکزی خراسان را از گزند مهاجمانی که قصد ورود به این سرزمین را داشته‌اند حفظ کرده است. اما جایی که حصار مزبور رخنه‌ای داشت و یا به پستی می‌گرایید، خراسانیان به تقویت حصارهای طبیعی پرداخته و با احداث برج و بارو و دیوارهای طولی، خلاء دفاعی کوهستان را جبران می‌کردند. در نتیجه، در ترکیب با سازه‌های دفاعی، رشته کوه هزار مسجد-کپه داغ به حصار نفوذناپذیر تبدیل می‌شد و راه ورود به خراسان و فلات ایران را از سوی مرزهای شمال شرق سد می‌کرد.

همنشینی حصارهای طبیعی با دیوارهای ساخته‌بشر در دو نقطه استراتژیک از مرزهای شمال شرق ایران، قابل بررسی است. یکی از این مناطق در ناحیه شرقی کوه‌های هزارمسجد-کپه داغ واقع شده و امروزه به نام مزدوران شناخته می‌شود و منطقه دیگر در ناحیه غربی کوه‌های مزبور در محلی است که شهرستان کلات واقع شده. منطقه نخست به مثابه یکی از منزلگاه‌های مهم بین توس و مرو (مقدسی ۱۳۶۱: ۵۱۴؛ ابن رسته ۱۸۹۱: ۲۷۹؛ یعقوبی ۱۳۵۶: ۵۵-۵۴)، منطبق بر محلی است که شاهراه غرب به شرق از فلات ایران خارج می‌شود و وارد سرزمین‌های پست دشت سرخس و جنوب ترکمنستان فعلی می‌گردد و دومین منطقه مورد بحث،

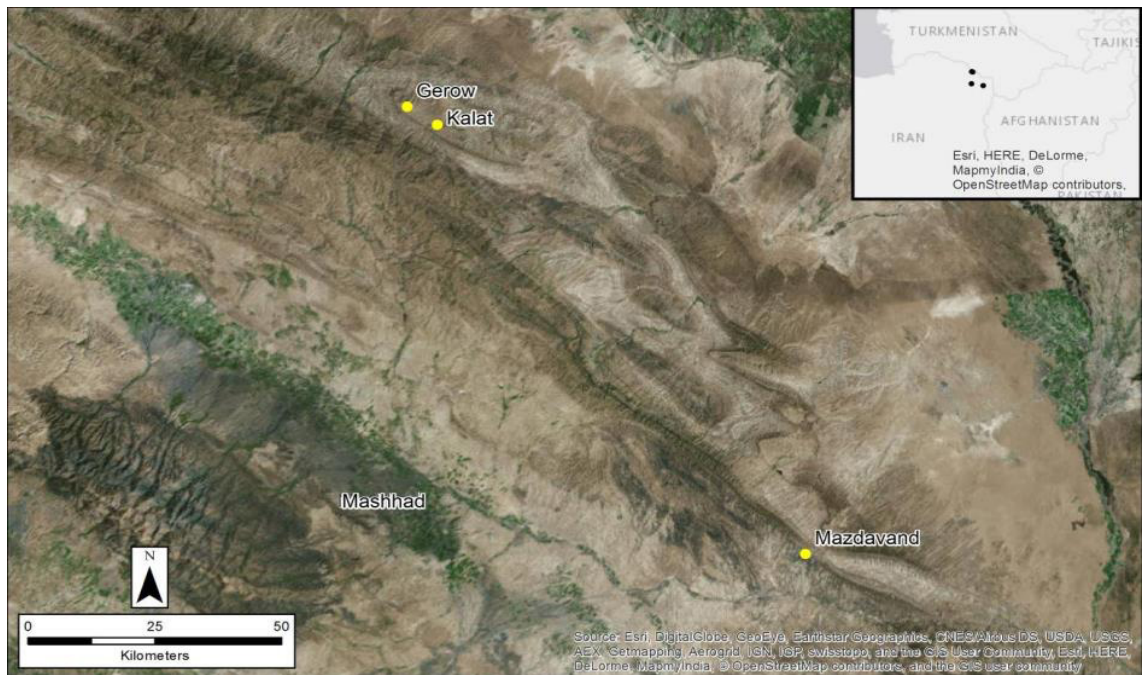
محل تلاقی ارتفاعات هزارمسجد با دشت پست قره قوم است. با این توصیف، اهمیت دو منطقه مورد بررسی در تعیین مناسبات نظامی فلات ایران با سرزمین‌های پست شمالی روشن می‌گردد.

سفرا، سیاحان و مستشارانی نیز که پیش از این به دو منطقه مذکور سفر کرده‌اند تحت تأثیر استحکامات دفاعی طبیعی و مصنوع مزدوران و کلات قرار گرفته و به شرح گزارش‌هایی مبسوط درباره اهمیت نظامی و دفاعی مناطق مزبور پرداخته‌اند. سفیر ایران به دربار بخارا در زمان محمد شاه قاجار به قراولخانه‌های مزدوران اشاره داشته و از نگهبانانی یاد می‌کند که شبانه روز مشغول انجام وظیفه‌اند (مؤلف ناشناخته ۱۳۷۳: ۲۸-۲۷). هانری دوبلوک ویل فرانسوی و میرزا محمد حسین مهندس نیز هر دو در گزارش‌های خود از مزدوران در حکم یک قلعه استحفاظی یاد کرده‌اند (سعیدی ۱۳۵۳: ۱۷۲-۱۷۱). مک گرگر که در سال ۱۸۷۵ خراسان را بررسی کرده، مزدوران و تأسیسات دفاعی آن را غیر قابل عبور توصیف کرده و از وجود بیست و یک برج دیده بانی و یک دژ کوچک بر فراز ارتفاعات مزدوران گزارش داده است که شدیداً تحت مراقبت و نظارت قوای ایرانی بوده است (مک گرگر ۱۳۶۸: ۲۸-۲۷). مک لین ارنفلسکی هم که حدود بیست سال بعد از مک گرگر به مزدوران آمده، بیست و یک برج و یک قلعه نظامی را در این منطقه دیده و توصیفی مشابه مک گرگر ارائه داده است (خادمیان ۱۳۸۰: ۹۳۶ به نقل از MacLean Oranoffsky, 1894).

درباره کلات نیز گزارش‌هایی در دست است که از اهمیت دفاعی این منطقه حداقل از دوره ساسانی به بعد حکایت می‌کند. علاوه بر اشاراتی که در متن پهلوی بندهش (فرنخ دادگی ۱۳۸۵: ۷۳)، بخش تاریخ کیانیان شاهنامه فردوسی (فردوسی ۱۳۸۱: ۹۹-۲۲) و تذکرات تاریخی دوره نادرشاه افشار درباره اهمیت دفاعی کلات در دست است (استرآبادی ۱۳۹۴: ۵۳۵-۵۳۴)، سیاحان و مستشرقینی چون جیل<sup>۱</sup> و بیکر<sup>۲</sup> (گابریل ۱۳۴۸: ۲۹۰) و نی پیه<sup>۳</sup> (طاهری ۱۳۴۸: ۹۹-۹۷) که در طول قرن نوزدهم م. به جمع آوری اطلاعات نظامی و جمعیتی منطقه شمال شرق ایران مشغول بودند، توصیفات از دیواره طبیعی کلات ارائه داده‌اند. به زعم کلنل مک گرگر<sup>۴</sup> که در سال ۱۲۸۹ ه.ق. / ۱۸۷۵ م. خراسان را پیموده نیز کلات از چنان موقعیت مستحکمی برخوردار بوده که اگر بتوان صفت تسخیرناپذیر را برای محلی به کار برد، مناسب ترین محل همین منطقه خواهد بود (مک گرگر، ۱۳۶۸: ۶۱). کرزن<sup>۵</sup> نیز که در اوایل قرن ۱۴ ه.ق. / دهه پایانی قرن ۱۹ م. از کلات بازدید کرده، کلات را همچون سنگر غیرقابل تسخیر ژئوس بر فراز کوه المپ وصف کرده است (کرزن ۱۳۸۰: ۱۹۴).

با وجود ذکر مکرر اهمیت دفاعی کلات و مزدوران، نخستین اقدام باستان‌شناختی برای شناسایی و بررسی استحکامات این مناطق در جریان انجام رساله دکتری یکی از نگارندگان در سال

1. V. J. Gill  
2. V. Baker  
3. G. C. Napier  
4. C. M. MacGregor  
5. G. Curzon



تصویر ۱. موقعیت سکونتگاه‌های امروزی مورد اشاره در متن گزارش (تهیه نقشه: کریستن هاپر، تصویر ماهواره‌ای پایه: Google Earth)

استحکام بخشی شد (قدوسی ۱۳۳۹: ۳۴). پیش از نادرشاه، ارغون شاه ایلخانی نیز به احداث تأسیساتی در ورودی جنوبی کلات اقدام نمود که مستحکات وی امروزه به نام دربند ارغون شناخته می‌شود. عکسی که عبدالله خان در دوره ناصر الدین شاه قاجار از دربند ارغون تهیه کرده،<sup>۸</sup> آثار ویرانه‌های معماری را در جبهه جنوبی دربند ارغون نشان می‌دهد که در آن از آجرهایی با ابعاد مشابه آجرهای پیش از اسلام استفاده شده است. این آثار احتمالاً باقیمانده استحکاماتی است که پیش از ساخت و سازهای دوره ایلخانی، دربند ارغون را تجهیز می‌کرده‌اند. از آنجا که دربند ارغون ساده‌ترین راه دسترسی به کلات را فراهم می‌ساخته، در دوره‌های گوناگون تاریخی به احداث سازه‌های دفاعی در این محل توجه ویژه نشان داده شده است. از طرف دیگر، ویژگی‌های طبیعی این گردنه، امکان مناسبی برای احداث برج‌ها و دیوارهای دفاعی فراهم می‌کرده است. در مقابل، دیگر نقاط کلات که با صخره‌های طبیعی محصور می‌شد، نیاز ساکنان کلات را به ایجاد سازه‌های دفاعی مرتفع ساخته و از طرف دیگر دسترسی مهاجمان را به کلات با مشکل مواجه می‌ساخت. با وجود این، در مقاطع تاریخی که کلات در معرض حملات شدیدتری قرار گرفت، مدافعان این شهر ناگزیر بودند به احداث سازه‌هایی در نقاط صعب العبور اقدام نمایند. دیوارهایی که برفراز خط الرأس ارتفاعات کلات ساخته شده از جمله سازه‌هایی هستند که منافذ محتمل رسوخ به کلات را نیز مسدود می‌کرده‌اند. این دیوارها قطعاً در پاسخ به واقعه‌ای تاریخی ساخته شده‌اند که زمان آن مشخص نیست (لباف خانیکی ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ الف؛ Planhol 2011).

بر پایه گزارش‌های تاریخی، معابر جنوبی کلات در دوره ایلخانی و در اواخر قرن ۷ ه.ق. ۱۳ م. مجهز به برج و بارو بوده است و

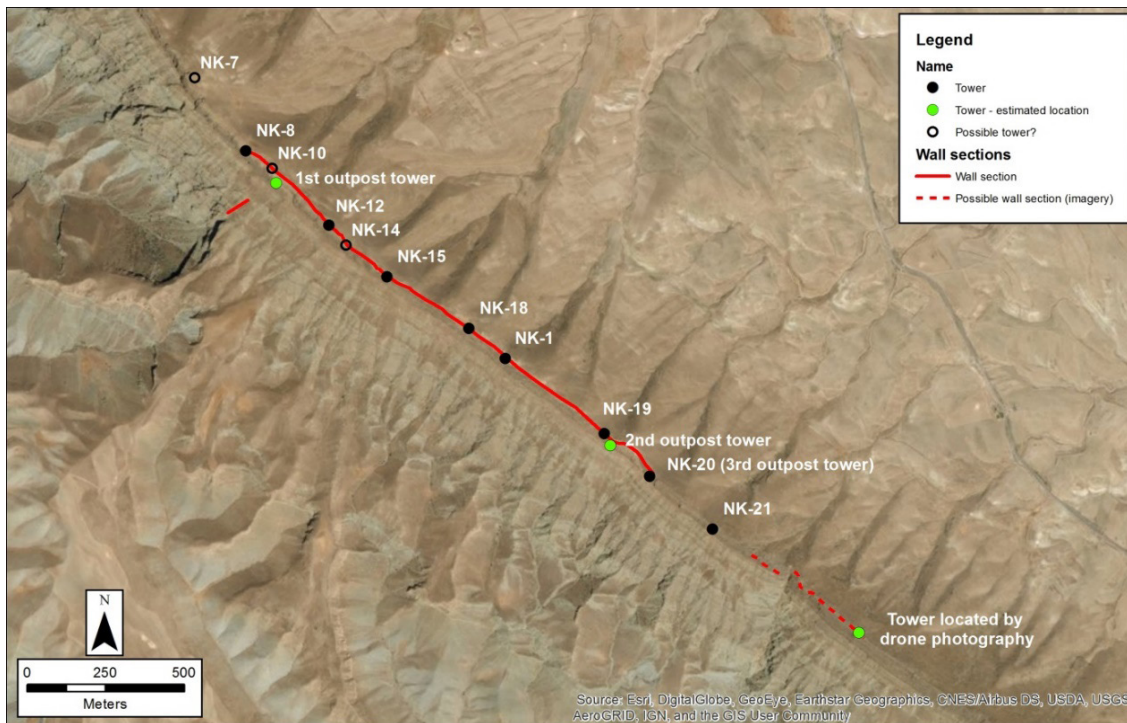
۸. این عکس امروزه در آرشیو کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شود. همچنین نک. لباف خانیکی ۱۳۹۲: ۷؛ نظر آهاری و دیگران ۱۳۹۱: ۴۰.

۱۳۹۱ صورت گرفت (لباف خانیکی، منتشر نشده) که نتایج آن در قالب چند مقاله انتشار یافته است (لباف خانیکی ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ الف). در این مقالات به ارتباط دیواره دفاعی هزار مسجد-کپه داغ با دیوار دفاعی گرگان و دیگر سازه‌های دفاعی که در عرض قاره آسیا امتداد یافته‌اند، تأکید شده و کلیه این سازه‌های دفاعی اجزایی از یک سیستم دفاعی واحد معرفی گردید. با آگاهی یافتن مسئولان پایگاه پژوهشی دیوار گرگان (دکتر جبرئیل نوکنده، دکتر حمید عمرانی رکاوندی و دکتر ابرهارد سوئر)، پیشنهادی مبنی بر گسترش پژوهش‌ها در شمال شرق ایران مطرح گردید و پس از اخذ مجوز پژوهشگاه میراث فرهنگی به شماره ۹۵۲۱۴۱/۰۰/۱۹۱۸ تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۶ گروهی از باستان‌شناسان پایگاه گرگان در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲ به محل اعزام شده و به مدت پنج روز به بررسی و گمانه‌زنی فشرده در محل سازه‌های دفاعی کلات و مزدوران اقدام نمودند. در نتیجه این فصل از پژوهش‌های میدانی، به پرسش‌هایی درباره قدمت، کاربری و ساختار سازه‌های دفاعی مذکور پاسخ داده شد که در ادامه به شرح و تحلیل نتایج فوق پرداخته می‌شود.

### بررسی و گمانه‌زنی باستان‌شناختی کلات<sup>۶</sup>

دیواری که بر فراز خط الرأس ارتفاعات غرب و شمال غرب شهر کلات<sup>۷</sup> احداث شده، بخشی از استحکاماتی است که در دوره نادرشاه افشار مورد استفاده بوده و به دستور نادرشاه افشار بازپیرایی و

۶. این دیوار، پیشتر با نام دیوار گرو نیز معرفی شده است (لباف خانیکی ۱۳۹۲). گرو روستایی است در شمال غرب شهرستان کلات که بخش عمده‌ای از این دیوار بر روستای مزبور اشرف دارد.  
۷. ارتفاعات مذکور را گذرگاهی در جنوب کلات قطع می‌کند و پس از آن این رشته کوه به سمت جنوب شرق امتداد می‌یابد. در دامنه جنوبی ارتفاعات جنوبی کلات، دیوار دیگری ساخته شده که امتداد آن با خط الرأس کوه‌های پیرامون کلات، زاویه قائمه ایجاد می‌کند. این دیوار احتمالاً مانعی مشابه دیوار دیگری را ایجاد می‌کرده که در جنوب غرب روستای گرو واقع شده است. شناسایی این دیوار از نزدیک میسر نشد و تنها با بررسی این سازه از نزدیک و عکسبرداری هوایی می‌توان درباره قدمت آن اظهار نظر کرد.



261, 263, 277; Planhol 2011; Curzon 1892: 126-40, 193; (Roemer 1986: 49; Savory 1986; Tucker 2006.

طی بررسی استحکامات کلات در روزهای ۳ و ۴ آبان ماه ۱۳۹۵، به بررسی بخش‌هایی از دیوار کلات در طول خط الرأس کوه‌های جنوبی این منطقه پرداخته شد. کوه‌های مزبور، خط سیری به شکل یک کمان را دنبال می‌کنند که از شمال غرب به سوی جنوب شرق و از ارگ فرود به سمت کلات امتداد یافته است (تصویر ۱). بر خط الرأس این کوه‌ها و در مجاورت جنوبی ارگ فرود، یک دیوار و تعدادی برج واقع شده است. منتهی‌الیه دیوار مذکور با نقطه شروع دیوار بعدی، ۲ تا ۲/۵ کیلومتر فاصله دارد و به نظر می‌رسد در این مسافت، هیچ گونه استحکاماتی احداث نشده است، چراکه دامنه‌های کوه هزار مسجد در این محل از چنان شیب تندی برخوردار است که امکان عبور نیروهای مهاجم یا سوارانی را که قصد ورود به کلات از سمت جنوب غرب را داشته‌اند، سلب می‌کرده است. در شرق این کوه‌ها، روستای گرو واقع است و در جنوب غرب این روستا دیوارهای عمودی کوه‌ها به پایان می‌رسد. در جنوب شرق این محل، و بر فراز خط الرأس کوه نیز زنجیره‌ای از برج‌ها و دیوارها احداث شده است. دیوار مزبور به انضمام برج‌هایش از لحاظ فرم و مصالح مشابه دیوار برج‌های مجاور ارگ فرود است و احتمالاً بخش گسسته‌ای از همان سیستم دفاعی را تشکیل می‌دهد. پاره‌ای از دیوارهای دفاعی و تأسیسات وابسته به آنها نیز در دامنه شمال شرقی احداث شده و موقعیت آنها به نحوی است که کاملاً خارج از دید نگرهبانانی است که در برج‌های خط الرأس کوه مستقر بوده‌اند.

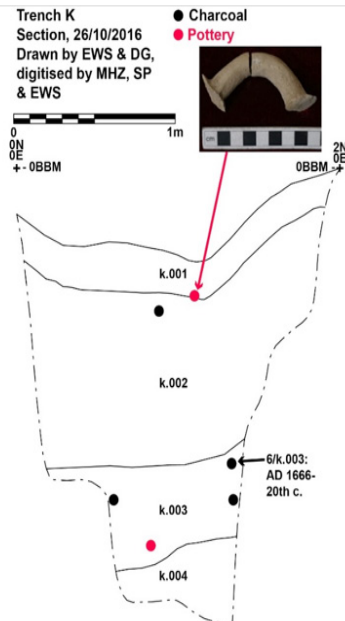
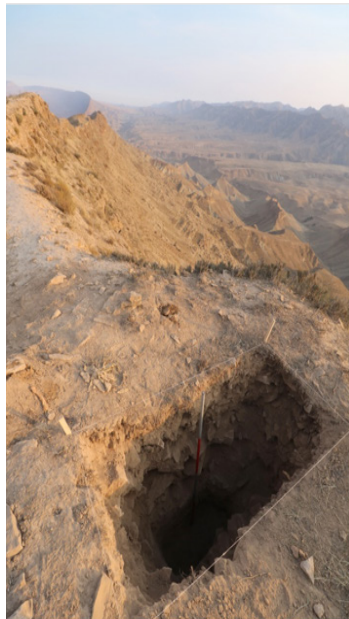
نخستین سازه‌ای که طی بررسی دیوار خط الرأس کوه شناسایی شد، برج نیم استوانه‌ای است که مجانب نمای خارجی دیوار ساخته



تصویر ۲. برج‌ها و بخش‌های مختلف دیواری که در طول بررسی پیمایشی و عکسبرداری هوایی ثبت شدند (تهیه نقشه: کریستن هاپر، تصویر ماهواره‌ای پایه: Google Earth)

تصویر ۳. عکس هوایی گمانه‌زنی که دهانه مجرای که در زیر برج NK-15 قرار دارد را نشان می‌دهد (عکسبرداری با پهپاد: داویت نسکیداشویلی)

عکس قاجاری نیز که پیشتر به آنها اشاره شد شواهد احتمالی از سازه‌های دفاعی قدیمتر را نشان می‌دهد. حاکم قلعه طبیعی کلات در دهه ۷۸۰ ه.ق. / ۱۳۸۰ م. توانسته دو سال در مقابل لشکریان تیمور مقاومت کند. از طرف دیگر، اقدام نادر مبنی بر استحکام بخشی سازه‌های دفاعی کلات، ناظر بر اهمیت استراتژیک این منطقه در سال‌های ۱۱۵۰ ه.ق. / ۱۷۴۰ م. است. آن گونه که سرپرسی سایکس گزارش کرده، قلعه عظیم کلات نادری به دستور نادر احداث شد تا مأمنی باشد برای اعضای خاندان وی و خزانه‌ای باشد برای حفاظت از غنایمی که اندوخته بود. سرگرد سی. او. بروس نیز ارتفاع بخشی از دیوار کلات را که به برج‌هایی مجهز بوده، چهار متر تخمین زده است و بخشی از توصیفات او در تاریخ‌نگاری سازه‌های دفاعی کلات راهگشاست (Sykes 1906: 569, 572-; Adamec 1981: 277-286; Lockhart 1938: 195, 254, 75;



تصویر ۴. گمانه k: ویرانه‌های سنگی در فضای داخلی برج که بر دیواره جنوبی ترانشه در تصویر سمت چپ مشهود است. در عکس سمت راست بالا دسته ظرف سفالینی که از میانه آوار پیدا شد دیده می‌شود و در سمت راست، طرح دیواره غربی ترانشه درج گردیده است (عکس و طراحی مقطع: ابرهارد سوئر)

بوته‌های دولپه‌ای (dicot tree/shrub) و قطعه ذغال به دست آمده از شناسازی تشخیص داده شد که به Rosaceae/ Prunoideae [prune subfamily] تعلق دارد. آزمایش گاهنگاری کربن ۱۴ نشان داد که قطعه زغال مزبور به بازه زمانی از ثلث سوم قرن یازدهم هجری تا دوران معاصر تعلق دارد. از آنجا که احتمال صدق تاریخگذاری رادیوکربن در فاصله سال‌های ۱۱۳۷ تا ۱۱۹۸ ه.ق. به ۴۱/۸ درصد می‌رسد، می‌توان قرن دوازدهم هجری را محتمل‌ترین زمان برای قدمت قطعه ذغال برداشت شده پنداشت.

برج NK-18 یکی دیگر از برج‌های شناسایی شده است که با دیوارهایی به ارتفاع ۲ متر، سالم‌ترین برج باقی‌مانده در طول دیوار فرود به‌شمار می‌رود (تصویر ۵). ردیف‌های سنگ چین فوقانی این برج در بالاترین سطح، به سمت فضای داخلی تمایل یافته و این احتمال را مطرح می‌سازند که سقف فضای داخلی برج به صورت

شده است (NK-8 در شکل ۲).<sup>۹</sup> برج بعدی در فاصله حدود ۱۰۰ متری برج اولی و در امتداد خط الرأس کوه احداث شده است (NK-10). با وجود این، نمی‌توان به طور قطع بر ماهیت این سازه در حکم برج صحنه گذاشت. شاید این سازه صرفاً بخشی از دیوار باشد که به سمت بیرون پیشروی کرده است. در فاصله حدود ۵۰ متری جنوب-جنوب شرق عارضه پیشین، برجی با پلان دایره‌ای واقع است. این برج اندکی پایین‌تر از خط الرأس و مسیر دیوار، بر دامنه کوه ساخته شده و به شکل یک قراول‌خانه در خارج از دیوار کارکرد داشته است. دیوار کوتاهی نیز بر روی یکی از یال‌های دامنه غربی کوه ساخته شده که به سمت خط الرأس و اولین برج پیش می‌رود. امتداد این دیوار، بر راستای دیواری که بر خط الرأس ساخته شده، عمود می‌شود و از پیشروی دشمنان به موازات دیوار اصلی جلوگیری می‌کرده است. سه برج در امتداد این دیوار ساخته شده که اولی در سطحی پایین‌تر از دیوار خط الرأس واقع شده و دو برج دیگر به ترتیب در سطوح پایین‌تر واقع شده‌اند (تصویر ۲).

پیمایش دیوار فرود در امتداد خط الرأس کوه‌های کلات به سمت جنوب شرق، امکان مشاهده برج‌های بیشتری را فراهم ساخت که در فاصله‌های نامنظم از یکدیگر قرار گرفته بودند (تصویر ۲). در این میان، برج NK-15 به منظور انجام کاوش باستان‌شناختی برگزیده شد. این برج که با استفاده از سنگ لاشه بنا گردیده، با قطر تقریبی ۵ متر نسبتاً سالم مانده و احتمالاً همانند دیگر برج‌ها پلان دایره‌ای داشته است. در جریان بررسی این برج، بخشی از یک کانال دفع آب در زیر شالوده این برج و بر سطح دامنه کوه مشاهده شد (تصویر ۳). ابعاد گمانه ایجاد شده در داخل این برج دو متر (در راستای جنوب جنوب غربی-شمال شمال شرق و تقریباً در راستای شمالی-جنوبی) در یک متر (در راستای غرب شمال غرب-شرق جنوب شرق و تقریباً در راستای شرقی-غربی) و موقعیت آن در مرکز فضای داخلی برج انتخاب شد. در عمق ۲۰ سانتیمتری، لایه‌ای از آوار دیوار آشکار گردید که تقریباً ۷۰ درصد آن را سنگ‌هایی به قطر ۴۵ سانتیمتر تشکیل می‌داد. این آوار احتمالاً مربوط به سقف گنبدی شکل این برج بوده و با تخریب بخش‌های فوقانی دیوارهای برج و سقف، سنگ‌های به کار رفته در بخش‌های گوناگون سازه در فضای داخلی انباشته شده است. در لایه‌ای آوار مزبور، قطعه سفالی مربوط به دسته یک ظرف و نیز قطعه‌ای زغال یافت شد (تصویر ۴). بررسی‌های بعدی دکتر لیودمیلا شومیلوفسکیخ نشان داد که این قطعه زغال مربوط به گیاه Rosaceae (از گونه گل رز) و یا Maloideae (از گونه سیب) است. در زیر لایه آوار دیوار، لایه مستحکمی از رسوبات خاک سیلت به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد گسترده شده بود (k.003) که در داخل بافت آن یک قطعه سفال معمولی غیرشاخص و نیز ۱۲ قطعه ذغال یافت شد که در سه نقطه متفاوت پراکنده بودند. یک قطعه ذغال دیگر نیز از لایه‌ای نمونه خاک شناسازی شده به دست آمد. بر اساس بررسی‌های دکتر لیودمیلا شومیلوفسکیخ هر ۱۲ قطعه ذغال مربوط به درختچه‌ها یا

۹. یک برج احتمالی دیگر در حدود ۳۰۰ متری شمال غرب برج NK-8 و بر خط الرأس احداث شده است.

تصویر ۵. برج NK-18 از جانب شمال غرب. این برج در محل مناسبی برای دیدیانی ساخته نشده ولی محلی که برای احداث این برج انتخاب شده، امکان مناسبی برای حمله فراهم می‌کرده است (عکس: ابرهارد سوئر)

برج‌ها در پناه صخره‌های بلند، از خطر برخورد صاعقه حتی الامکان پیشگیری شده است. ساختار دیوار برج‌ها متشکل از سنگ‌های خشکه چین است که با ملاط گل تثبیت شده‌اند. در برخی نقاط نیز از ملاط آهک استفاده شده است. به موازات شمال شرق دیوار و در مجاورت این سازه، گودال‌های بزرگی نیز شناسایی شد که احتمالاً محل برداشت خاک مورد نیاز برای احداث دیوار بوده است. بنابراین، به نظر می‌رسد این گودال‌ها همزمان با احداث دیوار حفر شده باشند. بر اساس بررسی انجام شده و مطالعه عکس‌های هوایی، بخش‌هایی از دیوار تا ارتفاع سه و نیم متر هنوز باقی مانده است. با وجود این، ممکن است نقاطی از دیوار وجود داشته باشد که از ارتفاع بیشتری برخوردار بوده و محاسبه ارتفاع آنها از پی تا بالاترین بخش، نیازمند کاوش در پای دیوار است. تخریب بخش‌های فوقانی دیوار در طول زمان، امکان تعیین ارتفاع و کاربری دقیق آن را سلب کرده است. بنابراین، تشخیص این که ارتفاع این دیوار در زمان بهره‌برداری و در نقاط مختلف چه اندازه بوده با مشکل مواجه است. همچنین کاربری این دیوار در حکم یک سد دفاعی یا مسیری برای ارتباط برج‌ها با یکدیگر، در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. از آنجا که در برخی نقاط سطح زمین در دو طرف دیوار فاقد سطح مسطح است می‌توان در مورد کاربری این دیوار به مثابه راه ارتباطی بین برج‌ها تأمل کرد. با وجود این، سطح زمین در مجاورت غربی دیوار، در بسیاری نقاط مانع پیاده روی نمی‌شود (تصویر ۷). با نزدیک شدن به کلات، بر شیب دامنه کوه افزوده می‌شود. بر نقطه‌ای از ستیغ کوه بقایای برجی قابل مشاهده است که نسبتاً سالم مانده و شاید صعب الوصول بودن، از فرسایش و تخریب آن بر اثر عوامل انسانی جلوگیری کرده است.

### بررسی باستان‌شناسی مزدوران

مزدوران یا مزدانند، امروزه شهری است واقع در بخش مرزداران شهرستان سرخس. این شهر در فاصله ۹۰ کیلومتری جنوب غرب سرخس و ۹۵ کیلومتری شرق مشهد، در ارتفاع ۱۰۰۰ متری از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته است. (تصویر ۱) چهره طبیعی مزدوران، کوهستانی است و در تقاطعی از آن چشمه آب گرم می‌جوشد. تا قبل از آنکه مزدوران شهر شود، مردمانش به کشت غلات، باغداری، دامداری و قالیچه بافی اشتغال داشته‌اند (رزم آرا ۱۳۲۹: ۳۹۰). در تاریخ ۶ آبان ۱۳۹۵ نگارندگان به بررسی مجموعه‌ای از برج‌ها و دیوار دفاعی پرداختند که در بخش شمالی مزدوران واقع شده‌اند و بیشتر در سال ۱۳۹۱ شناسایی شده بود (لباف خانیکی، ۱۳۹۳ الف: ۴۳۹). طی آن بررسی دو برج، یک سازه چهار گوش (قلعه؟) و بخشی از یک دیوار شناسایی شد. دیوار مذکور، حداقل ۲۵۰ متر طول دارد و از حدود ۵۰ متری شمال جاده اصلی شروع می‌شود که مشهد را به سرخس مرتبط می‌سازد. نخستین برج شناسایی شده (واقع در نقطه NK-37) که طی بررسی این فصل مورد بازدید قرار گرفت، بر لبه یک پرتگاه و در فاصله حدود ۸۵۰ متری شمال جاده اصلی مشهد-سرخس واقع شده است. دیواری که در امتداد این برج ساخته شده از محل برج دوم (NK-38) می‌گذرد و پس از انقطاع در چند نقطه



تصویر ۶. عکس هوایی برج و دیوار فرود که به سوی جنوب شرق امتداد دارد (عکسبرداری با پهپاد: داویت نسکیداشویلی)



تصویر ۷. عکس هوایی دیوار فرود؛ بخش جنوب شرقی قسمتی از دیوار که مورد پیمایش قرار گرفت. (عکسبرداری با پهپاد: داویت نسکیداشویلی)

گنبدی بوده است. دیوار این برج در جانب جنوب غرب ۱/۵۳ متر و در نقطه مقابل، ۱/۴۸ متر ضخامت دارد. قطر پلان این برج نیز از داخل ۲/۵۰ و از خارج ۵/۵۱ متر است. یک طاقچه، پنجره یا درگاهی بر جانب شمال شرق این برج تعبیه شده که ۰/۵۱ متر پهنا، حداقل ۰/۷۹ متر ارتفاع و ۰/۹۰ متر عمق دارد. احتمالاً در انتهای این روزن، دیواری وجود داشته که آن را به یک پنجره کور یا طاقچه تبدیل می‌کرده است. هرچند شواهد مبهمی از این دیوار وجود دارد، ولی حصول اطمینان در این باره منوط به انجام کاوش‌های جدید است.

برج‌های واقع در امتداد خط الرأس، جزئی از دیوار به شمار می‌روند که به احتمال قریب به یقین همزمان با احداث دیوار ساخته شده‌اند. آوار سنگ‌های فروریخته از این برج‌ها، در برخی موارد امکان تشخیص پلان و موقعیت آنها را در ارتباط با دیوار فرود با مشکل مواجه می‌سازد. با وجود این، اغلب آن‌ها پلان گردی دارند که از امتداد اصلی دیوار به سمت جنوب غرب و در برخی موارد، در جهت مخالف بیرون زده است. دیواری که طی بررسی مذکور مورد مطالعه قرار گرفت، به نظر می‌رسد در مجاورت برج مدور NK-20 به پایان می‌رسد. جایی که دیگر دیواری وجود ندارد، برج دیگری با کد NK-26 و در ۲۵۶ متری جنوب شرق آن، یکی دیگر شناسایی شد.

دیوار دفاعی و برج‌های مزبور، عمدتاً بر فراز بلندی‌ها و پرتگاه‌ها ساخته شده تا امکان دیدبانی و در موارد لزوم دفع حمله دشمن، به بهترین شکل میسر گردد (تصویر ۶). همچنین با احداث برخی



تصویر ۸. نقشه دیوار، برج‌ها و قلعه شناسایی شده در نزدیکی مزدوران (تهیه نقشه: کریستن هاپر، تصویر ماهواره‌ای پایه: Google Earth)



تصویر ۹. دیواری که برج‌ها را به هم متصل می‌سازد (عکس: میثم لباف خانیکی)

تصویر ۱۰. سومین برج (عکس: میثم لباف خانیکی)

تصویر ۱۱. تصویر قلعه در عکس ماهواره‌ای (Google Earth)

قطر متفاوتند)، مشابه برج‌های دیوار فرود است که پیشتر در مورد احتمال تعلق آنها به دوره نادرشاه سخن گفته شد. در نتیجه، تاریخ احداث این برج‌ها نمی‌تواند پیشتر از اواخر قرن یازدهم هجری باشد. مجموعه سفال‌های بررسی شده نیز که لزوماً همزمان با برج‌ها نیستند، از ویژگی‌های قرون متأخر بهره‌مند است. در محل دو برج (NK-38 و NK-43) آجرهای مربعی به ابعاد  $31 \times 32 \times 31$ - $32 \times 32 \times 7$  سانتیمتر پراکنده است که در محل قلعه‌ای نیز وجود دارند که در سطور بعد توصیف می‌شود. این گونه آجر می‌تواند به معماری اواخر دوره ساسانی متعلق باشد (Sauer et al. 2013: 388-391)، اما شمار معدود این آجرها و عدم تعلق آنها به سازه‌ای برج، این احتمال را مطرح می‌سازد که آجرهای مزبور از سازه قدیمتری جدا شده و برای احداث بخش‌های فوقانی برج‌ها مجدداً مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در امتداد خط الرأس کوه‌های شمالی مزدوران، دو برج دیگر در نقاط NK-46 و NS-57 شناسایی گردید. یک برج دیگر نیز احتمالاً

به برج سوم (NK-41) می‌رسد (تصویر ۱۰). دیوار مزبور سپس تا مسافت حدود ۱۳۰ متر امتداد پیدا کرده تا به لبه جنوبی یک برون زد صخره‌ای مرتفع می‌پیوندد (تصویر ۸). ضخامت این دیوار در پایه  $1/30$  تا  $2/25$  متر و در بخش‌های سالم فوقانی  $0/80$  تا  $0/95$  متر است. پهنای این دیوار برای استفاده از سطح آن در حکم یک معبر بسیار باریک است و احتمالاً از آن صرفاً به جای یک مانع و سد دفاعی استفاده می‌شده است (تصویر ۹). چهارمین برج (NK-38) در توالی برج‌های شناسایی شده، بر فراز یک برون‌زد صخره‌ای بنا شده است. در جانب شمالی این برون‌زد مجدداً سازه دیوار آشکار شده و با چرخش به سمت شمال شرق به سوی خط الرأس کوه امتداد می‌یابد. دیوار در حدود ۱۰۰ متر پایین‌تر از خط الرأس پایان می‌یابد. سفال‌هایی که در مجاورت چهار برج پراکنده‌اند از جمله گونه‌ای با لعاب قهوه‌ای رنگ است و ویژگی‌های سفال‌های دوره قاجار را به نمایش می‌گذارند.

معماری و ابعاد برج‌های مدور شناسایی شده (گرچه در اندازه

باستان‌شناختی این محوطه، تاریخی نه چندان قدیمی و نه خیلی جدید را برای این سازه مطرح می‌سازد. تپه‌ای که در صحن قلعه واقع است، شاید بقایای فرسایش یافته یک برج دیدبانی باشد که در معماری اواخر دوره ساسانی مرسوم نبوده و احتمالاً به ادوار جدیدتر مربوط باشد. قطعه سفال لعابدار نیز چنین احتمالی را مطرح می‌سازد که این قلعه مربوط به دوران اسلامی بوده، ولی فقدان مواد فرهنگی جدید نشان می‌دهد که این قلعه چند قرن قبل ترک شده و در دوران معاصر متروک بوده است. موقعیت این قلعه بر فراز یک تپه طبیعی امکان مناسبی را برای کاربری دفاعی آن فراهم آورده است. از آنجا که این قلعه در سطح پست تری از دیگر سازه‌های دفاعی مزدوران واقع شده، به نظر می‌رسد مسئله دسترسی به آن از جنبه دفاعی آن برای بانیان این سازه مهمتر بوده است.

### نتیجه‌گیری

گمانه‌زنی و بررسی باستان‌شناختی فشرده طی روزهای سوم تا ششم آبان ماه سال ۱۳۹۵ در منطقه کلات و مزدوران، اقدام سودمند و مؤثری در ثبت و شناسایی منظر دفاعی خراسان به شمار می‌رود و برگ دیگری بر باستان‌شناسی این منطقه کمتر شناخته شده می‌افزاید. نخستین ثمره انجام این پروژه، ثبت و مستند نگاری دقیق و علمی آثاری بود که موقعیت صعب الوصول آنها بر فراز ارتفاعات هزارمسجد- کپه داغ، امکان شناسایی و بررسی آنها را تاکنون فراهم نیاورده بود. هرچند پیش از این، آثار کلات و مزدوران به همت سیاحان و مستشاران ایرانی و غیرایرانی معرفی و توصیف شده بود، ولی بهره‌گیری از امکاناتی چون پهپاد و نیز گمانه‌زنی باستان‌شناختی بر فراز استحکامات دفاعی کلات، به شناخت نکات جدیدی از هویت فرهنگی و تاریخی این بخش از خراسان انجامید و مسیر پژوهش‌های آتی را برای پرده برداشتن از ابهاماتی که درباره این منطقه از ایران وجود دارد، هموار ساخت.

آن گونه که در متن گزارش اشاره شد، یافته‌های گمانه‌ای که بر فراز دیوار فرود و در فضای داخلی یکی از برج‌ها حفر شد، قدمتی معادل قرن دوازدهم هجری را نشان می‌دهد و ویژگی‌های معماری بخش‌های مشهود تأسیسات دفاعی مزدوران تاریخی سیصد- چهارصد ساله را گواهی می‌دهند. این نتایج، قدمت بهره‌برداری از این سازه‌ها را تا حدودی روشن می‌کند، ولی آنچه مهم است، موجودیت این سازه‌ها، موقعیت جغرافیایی آنها و نقشی است که در طول تاریخ ایفا کرده‌اند. همان گونه که بیشتر اشاره شد، این سازه‌ها در تکمیل حصارها و استحکامات طبیعی کوه‌های هزار مسجد- کپه داغ، دیواری حائل میان ساکنان کشاورز خراسان و عشایر کوچرو آن سوی ارتفاعات شمال خراسان ایجاد می‌کرده‌اند. احداث و تکمیل این دیوار، با استناد به یافته‌های باستان‌شناختی و گزارش‌های تاریخی و روایات اسطوره‌ای، حداقل به دوره ساسانی بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، عملیات ساخت دیوارهایی نظیر آنچه در کلات و مزدوران دیده می‌شود، پروژه طولانی مدتی بود که از دوران پیش از اسلام شروع شده و تا قرون اخیر ادامه یافت. ساخت این دیوار

در نقطه NK-47 واقع شده است. برج‌های دیگری نیز احتمالاً در جنوب شرق نقطه NS-57 و بر فراز ستیغ کوه واقع شده‌اند. با احتساب برج‌های احتمالی و برج‌هایی که بر روی تصویر ماهواره‌ای مشاهده می‌شود می‌توان فاصله بین برج‌ها را از ۱۷۲ تا ۲۰۹ متر (به طور میانگین ۱۹۵ متر) متغیر دانست. برج دیگری که بیشتر شناسایی شده بود (لباف خانیکی ۱۳۹۳ الف: ۴۳۹) در شرق مزدوران و شرق جاده مشهد- سرخس مابین دو برون‌زد طبیعی بر فراز خط الرأس واقع شده است. این بخش از خط الرأس احتمالاً امتداد طبیعی سیستم دیوار دفاعی مزدوران بوده است (تصویر ۸).

بررسی در جنوب دیوار مورد بحث، ما را به سوی عارضه‌ای هدایت کرد که به نظر می‌رسید قلعه‌ای دفاعی باشد. بررسی میدانی این اثر نشان داد که این سازه، قلعه‌ای چهارضلعی با چهار برج در چهار گوشه بوده است. یک پشته خاک نیز در جنوب صحن داخلی این قلعه قرار دارد. ابعاد این قلعه تقریباً ۲۹ متر (شمالی-جنوبی) در ۳۱ متر (شرقی-غربی) بوده که با احتساب برج‌ها ۶ تا ۸ متر بر طول و عرض آن اضافه می‌شود. با بررسی تصویر ماهواره‌ای گوگل ارث که در سال ۱۳۸۹ خورشیدی تهیه شده (تصویر ۱۱)، می‌توان ردیفی از اتاق‌ها را در فضای داخلی قلعه تشخیص داد که مجانب دیوارهای پیرامونی تعبیه شده بود. بر اساس مشاهدات میدانی، حداقل پنج اتاق در هر دو سوی شرقی و جنوبی صحن قرار داشتند که در عکس‌های هوایی شش اتاق قابل تشخیص است. دو اتاق دیگر در دو طرف دروازه‌های شمالی و جنوبی قلعه قرار داشتند و دروازه‌ها در میانه اضلاع کوچک قلعه تعبیه شده بودند. در مجموع، به نظر می‌رسد این قلعه دارای ۱۶ اتاق بوده است. تپه‌ای که در بخش شرقی صحن قرار دارد، در امتداد محور طولی مجموعه واقع شده و قطر آن در قاعده به حدود ۱۱ متر می‌رسد.

در سطح محدوده قلعه و نیز زمین‌های مجاور آن قطعه سفالی دیده نمی‌شود. فقط دو قطعه سفال شاخص از این محوطه به دست آمده که یکی لعاب فیروزه‌ای دارد. فقدان سفال در مجاورت این سازه، نشان‌دهنده دوره محدود استفاده از آن است. شاید هم این سازه به مناسبت واقعه خاصی و به اضطرار بنا و پس از مدت کوتاهی رها شده باشد. در محدوده این محوطه، شمار معدودی قطعه آجر پراکنده است که حداقل دو قطعه از آنها مربع شکل بوده و ابعادی مشابه آجرهای یافت شده در برج‌ها دارند (۳۰ × ۳۰ تا ۳۱ × ۳۱ سانتیمتر) و به ضخامت تقریبی ۷ سانتیمتر. به احتمال زیاد این قلعه و برج‌های پیش گفته، در یک زمان ساخته شده‌اند. لازم به ذکر است که هیچ یک از آجرهای مزبور در جای اصلی خودشان یافت نشده‌اند و همان گونه که پیشتر اشاره شد، این آجرها احتمالاً از سازه یا سازه‌های دیگری که متعلق به ادوار قدیمتر بوده‌اند، جدا شده و مجدداً مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از لحاظ سبک و شیوه معماری، قلعه‌های چهارضلعی راست گوشه با برج‌های نیم دایره‌ای در گوشه و اتاق‌هایی که پیرامون صحن قرار گرفته‌اند الگویی را شکل می‌دهد که در ادوار گوناگون، از قرن سوم تا نوزدهم میلادی، در معماری قلعه‌ها اجرا می‌شده است. با وجود این، برداشت ما از ویژگی‌های

### کتابنامه

- ابن رسته، احمد بن عمر. ۱۸۹۲. الأملاق النفیسه. بیروت: دار صادر.
- استرآبادی، میرزا مهدی خان. ۱۳۸۵. جهانگشای نادری. تصحیح مانی کاشانی. تهران: انتشارات جامی.
- خادمیان، کاظم (گردآورنده و مترجم). ۱۳۸۰. فرهنگ جغرافیایی ایران (خراسان)، کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- رزم آرا، علی: ۱۳۲۰. جغرافیای نظامی ایران. خراسان. بی. جا. بی. نا.
- سعیدی، عباس. ۱۳۵۳. سرخس دیروز و امروز، پژوهشی در جغرافیای تاریخی و انسانی سرخس. ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- طاهری، علی. ۱۳۴۸. جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان. شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران. بی. جا.
- فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۸۱. شاهنامه. ج. ۳. جلال خالقی مطلق (مصحح). کاستا مسا: مزدا.
- فرنیغ دادگی، ۱۳۸۵. بندهش. مهرداد بهار (گزارنده). تهران: توس.
- قدوسی، محمدحسین. ۱۳۳۹. نادرنامه. مشهد: انجمن آثار ملی خراسان.
- کرزن، جورج ناتانیل. ۱۳۸۰. ایران و قضیه ایران. غلام علی وحید مازندرانی (مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گابریل، آلفونس. ۱۳۴۸. تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران. فتحعلی خواجه نوری (مترجم). تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- لیاف خانیکی، میثم. ۱۳۹۱. تأملی در تاریخ و باستان‌شناسی مزدوران. فصلنامه‌ی پاز ۱۲، ۸۲-۷۳.
- لیاف خانیکی، میثم. ۱۳۹۲. دیوارهای دفاعی کلات. مجموعه مقالات همایش ملی باستان‌شناسی: دست آوردها، فرصت‌ها و آسیب‌ها. بیرجند: دانشکده هنر دانشگاه بیرجند.
- لیاف خانیکی، میثم. ۱۳۹۳. الف. دیوارهای دفاعی خراسان، توصیف، تحلیل، تاریخ گذاری. مجموعه مقالات همایش بین المللی باستان‌شناسان جوان. تهران: دانشگاه تهران.
- لیاف خانیکی، میثم. ۱۳۹۳. ب. دیوارهای دفاعی خراسان، حلقه‌ای از یک زنجیره دفاعی قاره‌ای. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران ۶، ۱۵۸-۱۳۹.
- لیاف خانیکی، میثم. (منتشر نشده). زمین‌سیمی نظامی شمال شرق ایران در دوره ساسانی بر اساس مطالعات باستان‌شناسی. پایان‌نامه جهت دریافت درجه دکتری تخصصی در رشته باستان‌شناسی گرایش دوران تاریخی. ۱۳۹۱. دانشگاه تهران.
- مقدسی، شمس‌الدین ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر بناء شامی. ۱۳۶۱. أحسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. علی تقی منزوی (مترجم). تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
- مک گرگر، کلنل سی. ام. ۱۳۶۸. شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان در ۱۸۷۵. ج. ۲. اسدالله توکلی طیبی (مترجم). مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- مؤلف ناشناخته. ۱۳۷۳. سفرنامه بخارا. حسین زمانی (مصحح). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نظرآهاری، رضا. فرهاد تهرانی، غلامرضا سبحان، رجبعلی لیاف خانیکی و میثم لیاف خانیکی. ۱۳۹۱. اسناد تصویری کلات نادری و سرخس. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق. ۱۳۵۶. البلدان. محمد ابراهیم آینی (مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Adamec, L.W. (ed.) 1981. *Historical Gazetteer of Iran, 2: Meshed and Northeastern Iran*. Graz: Akademische Druck und Verlagsanstalt.

Curzon, G.N. 1892. *Persia and the Persian Question*. London and New York: Longman.

Lockhart, L. 1938. *Nadir Shah: A Critical Study based mainly upon Contemporary Sources*. London: Luzac & Co.

واکنشی بود به هجوم‌های مداوم و دامنه‌داری که از هزاره سوم قبل از میلاد تا دوره قاجار سبب آزار مردمان و حاکمان خراسان و ایران می‌شد. از این رو به فراخور دفع جریان‌های متخاصمی که از شمال رو به جنوب می‌گذاشتند، بخش‌هایی از این دیوار تکمیل و گاه مرمت و تعمیر می‌شد. با توجه به شواهد باستان‌شناختی، چه بسا آنچه در دوره افشار ساخته شده، بر روی سازه‌های قدیمتری بنا شده که قدمتی دیرین داشته است. ذغال‌های مکشوفه از یکی از برج‌های دیوار فرود که مورد تاریخ‌نگاری رادیو کربن قرار گرفت، لزوماً متعلق به نخستین کاربران این برج نیست. بعید نیست که این برج در طول سال‌های متمادی مورد استفاده فراولانی بوده که به نگرهبانی از کلات گماشته شده بودند. شاید این برج‌ها و دیواری که بر خط الرأس کوه برآورده‌اند، شالوده‌ای قدیمتر داشته باشد و آنچنان که مورخان زمان نادرشاه ثبت کرده‌اند، در زمان افشار تعمیر و بازسازی شده باشند. دلیل این مدعا را در دو نقطه می‌توان جست. یکی آثار سازه‌ای با آجرهای بزرگ در محل دربند ارغون که در یک عکس قاجاری مشاهده می‌شود و دیگری احتمال وجود لایه‌های استقرار کهن در ارگ فرود. هر دو مورد نیاز به کنکاش بیشتری دارد و با گسترش کاوش‌ها در ارگ فرود می‌توان به جستجوی صحت و سقم فرضیه فوق پرداخت.

### سپاسگزاری

انجام بررسی و گمانه‌زنی فشرده‌ای که شرح داده شد، بدون همراهی و همکاری اعضا سخت کوش هیأت شامل علی حسن آبادی، داوید نسکیداشویلی، دیوید گاشیدزه و بردیا شبانی امکانپذیر نبود. علاوه بر حضور مؤثر نامبردگان که بردبارانه مشکلات و سختی‌های این فصل از پژوهش‌های باستان‌شناختی کلات و مزدوران را پذیرا شدند، پشتیبانی‌های جناب آقای مهندس محمد بهشتی (رییس وقت پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری)، سرکار خانم دکتر حمیده چوبک (رییس وقت پژوهشکده باستان‌شناسی)، جناب آقای حسین زارع صفت (مدیرکل محترم میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی)، جناب آقای محمد رکنی (معاون محترم میراث فرهنگی اداره استان خراسان رضوی)، جناب آقای دکتر جبرئیل نوکنده (مدیر پروژه پژوهش‌های باستان‌شناسی دیوار بزرگ گرگان)، جناب آقای دکتر حمید عمرانی رکاوندی (سرپرست پژوهش مشترک ایران-بریتانیا در قلمرو دیوار بزرگ گرگان) جناب آقای شعبانعلی فرهمند (مدیر محترم میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان کلات)، سرکار خانم عادلہ اخوان (مدیر محترم میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان سرخس) و همکاری صمیمانه جناب آقای ابوالفضل زاهدی (پژوهشگر آزاد) و جناب آقای حمید ارجمندی (اداره میراث فرهنگی کلات) شایسته تقدیر است.

- Hoffmann, B., Evershed, R. and Thomas, R. 2013. *Persia's Imperial Power in Late Antiquity: the Great Wall of Gorgān and Frontier Landscapes of Sasanian Iran: A joint fieldwork project by the Iranian Cultural Heritage, Handcraft and Tourism Organisation, the Iranian Center for Archaeological Research and the Universities of Edinburgh and Durham (2005-2009)*. British Institute of Persian Studies Archaeological Monographs Series II, Oxford: Oxbow Books.
- Savory, R.M. 1986. Kilāt (Kalāt)-ī Nādirī, *Encyclopaedia of Islam* 5, 102-103.
- Sykes, P.M. 1906. A Fifth Journey in Persia, *The Geographical Journal* 28, 560-592.
- Tucker, E. 2006. Nāder Shah, *Encyclopædia Iranica*, Retrieved 5 December, 2017 from: <http://www.iranicaonline.org/articles/nader-shah>
- Matthee, R. 1999. *Firearms*, *Encyclopædia Iranica* 9, , 619-628.
- Planhol, X. de, 2011. Kalāt-e Nāderī, *Encyclopædia Iranica* 15, 373-375.
- Roemer, H.R. 1986. Timur in Iran, In Jackson, P. and Lockhart, L. (Eds), *Cambridge History of Iran* 6: The Timurid and Safavid Periods, Cambridge: Cambridge University Press, 42-97.
- Sauer, E.W., Omrani Rekavandi, H., Wilkinson, T.J., Nokandeh, J., Hopper, K., Abbasi, G.A., Ainslie, R., Rouštaei, K., MacDonald, E., Safari Tamak, E., Ratcliffe, J., Mahmoudi, M., Oatley, C., Ershadi, M., Usher-Wilson, L.S., Nazifi, A., Griffiths, S., Shabani, B., Parker, D., Mousavi, M., Galiatsatos, N. and Tolouei, H., with contributions by Priestman, S., Mashkour, M., Batt, C.M., Greenwood, D.P., Jansen Van Rensburg, J., Caputo, F., Radu, V., Schwenninger, J.-L., Fattahi, M., Gale, R., Poole, I.,

